



بخش ششم ا «گاو شاخ زد به دست ماتادور، شاخ به همان دستی خورد که شمشیر را گرفته بود، جمعیت با هو و جنجال گاو‌باز را به خارج از میدان بدرقه کرد. ماتادور دوم مرتکب اشتباه شد و گاو شاخ را زد به شکمش. ماتادور با یک دست از شاخ آویزان بود و با دست دیگر محل اصابت شاخ را سفت چسبیده بود. گاو وحشی روی شاخ بلندش کرد و زد به حفاظ دور میدان و شاخ را بیرون کشید و ماتادور افتاد روی شن ها و بعد، مثل مست های عریده کش، از جا بلند شد و سعی کرد مردانی را که به کمکش شتافته بودند کنار بزند و نعره سر داد و شمشیرش را خواست،

اما از حال رفت.»*

وقتی از سادگی شیرین حرف می زنیم، منظور چیست؟ به این بند که بر پیشانی داستان «آقا و خانم‌الیوت، نشسته دقت کنید: چقدر حالت آدم‌ها شفاف و واقعی است. توصیفات تراش خورده و بدون اضافه‌گویی، همه چیز تا حد امکان مختصر و ساده، به نحوی که مخاطب را تبدیل به بیننده می‌کند. این احساس به ما دست می‌دهد که صحنه گاو‌بازی درست روبه روی ما اتفاق می‌افتد؛ زنده و برجسته.

● گام دوم: همدلی (Empathy)

وقتی حتی برشی از یکی از داستان های همینگوی را می‌خوانید، می‌بینید که عواطف آدم‌ها چقدر خوب و درست در آن موج می‌زند؛ و این فقط یک معنی دارد. اینکه همینگوی احساسات انسانی را خیلی خوب و دقیق می‌شناسد. برای نمونه، بند ابتدایی این متن را دوباره بخوانید. این نشان می‌دهد که همینگوی قدرت همدلی و همذات‌پنداری عمیقی با سوزهایش داشته است؛ هر اتفاقی، هر حرکتی جریانی از برق را از قلب او عبور می‌داده است.

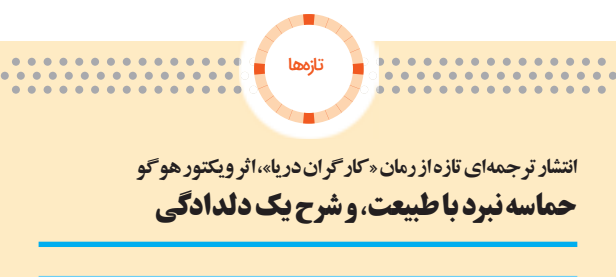
می‌توانید، درست هم زمان با تجربه دنیای بیرون، تمرکز خود را روی افراد دیگر در ماجرا بگذارید. چه جریان های عاطفی‌ای در صحنه بازی هستند؟ واکنش آدم‌ها به یکدیگر چگونه است؟ خودتان را جای تک‌تک آن‌ها بگذارید. سعی کنید از دیدگاه آن‌ها دنیا را ببینید، تمام احتمالات ممکن را تصور کنید، تلاش کنید این آدم های مختلف و متفاوت با هم و متفاوت با خودتان را درک کنید و با آن‌ها به صلح برسید. این کار به توصیفات شما ژرفایی احساسی می‌بخشد، طوری‌که مخاطب با متن ارتباطی آسان و عمیق می‌گیرد. وقتی آدم‌ها را و عواطفشان را تک‌به‌تک صیقل دادید و به نتیجه‌ای رضایت‌بخش رسیدید، آن‌ها را در متن داستانی با هم ترکیب کنید تا نوشته شما به‌اصالتی دست پیدا‌کند که قیلا‌قادر به درک آن و رسیدن به آن نبودید. همین‌هاست که در داستان دنیایی زنده‌تر، باورپذیرتر و واقع‌گونه‌تر پدید می‌آورد.

قاعدتا، همینگوی، همان‌طور که در کتاب «مرگ در بعدازظهر» می‌شود خواند و دید، بارهاوبارها شاهد صحنه‌های گاو‌بازی بوده است؛ اما او به مشاهده این صحنه‌ها اکتفا نکرده. آن را دقیق تماشا کرده و خودش را به جای آن ماتادورها گذاشته است؛ توانسته ترس و خشم و نفرت را در آن‌ها ردزنی کند و جریان این احساسات را در قلب خودش لمس کند. درنهایت، بارهاوبارها، این صحنه‌ها را نوشته و بازنویسی کرده. کلمات را تغییر داده، متن را پس و پیش کرده، و جمله‌ها را صیقل داده تا به همان چیزی برسد که در لحظات همدلی و همذات‌پنداری با صحنه‌های واقعی حس می‌کرده است.

و تمرین تمام وقت آموختن نثرنویسی از همین قرار بوده است.

* مجموعه «در زمان ما، داستان شماره ۹، نوشته ارنست همینگوی، ترجمه شاهین یازیل.

با احترام عمیق به فردریش نیچه بزرگ، فیلسوف رام‌نشدنی، روان‌شناس و دیوانه نابغه.



انتشار ترجمه‌ای تازه از رمان «کارگران دریا»، اثر ویکتور هوگو
حماسه نبرد با طبیعت، و شرح یک دلدادگی

خادم

رمان «کارگران دریا»، از مهم‌ترین آثار ویکتور هوگو، به فارسی محمدرضا پارسایار منتشر شد.

پارسایار، پیش از این، شماری از شاهکارهای هوگو، یعنی «مردی که می‌خندد»، «نودوسه»، «گوژپشت نتردام» و «بینوایان»، را از زبان اصلی، یعنی فرانسوی، به فارسی برگردانده بود، و ترجمه «کارگران دریا»، ادامه مسیر ترجمه آثار هوگو توسط این مترجم است. این اثر را نیز، همچون آثار نام‌برده، نشر «هرمس» منتشر کرده است.

هوگو نویسنده‌ای است که در ایران، چنان‌که در بسیاری کشورها، نویسنده‌ای محبوب و پرخواننده است. آثار او از دهه‌ها پیش در ایران ترجمه می‌شود؛ برخی از آن‌ها را چندین مترجم به فارسی درآورده‌اند. رمان‌هایی که پارسایار از این نویسنده ترجمه کرده نیز از این دسته‌اند. او، در گفت‌وگویی، درباره‌انگیزه‌اش از بازترجمه این آثار گفته است که ترجمه‌هایی مانند ترجمه حسینقلی مستعان، محمد مجلسی و عنایت ا...، شکبیاپور از «بینوایان» دقیق نبوده و خالی از اشکال نیستند، یا اینکه ترجمه جواد محیی از «مردی که می‌خندد»، «نودوسه» و «گوژپشت نتردام»، به دلیل نداشتن تسلط کافی بر زبان فرانسه، اشتباه‌هایی دارد.

او، در همین گفت‌وگو، درباره سختی‌های ترجمه آثار هوگو نیز گفته است؛ «ترجمه‌های آثار ویکتور هوگو دشواری‌های خاص خود را دارد، چراکه آثار وی از غنای واژگانی بسیار زیادی برخوردار است. بخشی از این غنا به دلیل اطلاعات زیاد هوگو از مسائل مختلف است؛ به‌عنوان مثال، زمانی‌که درباره معماری صحبت می‌کند، اصطلاحات معماری را بسیار به جا به‌کار می‌گیرد.»

پارسایار، در مقدمه خود بر ترجمه «کارگران دریا»، نوشته است: «در چهاردهم ماه مه ۱۸۵۹، ویکتور هوگو در نامه‌ای به پسرش، شارل، می‌نویسد: “برای نگارش کتاب جدیدم (کارگران دریا)، می‌خواهم به جزیره سرک بروم.” وی نخست در این جزیره کوچک و سپس در جزیره گرنزه، واقع در کانال مانش، اقامت می‌گزیند و، پس از وقفه‌ای چند، سرانجام، در آوریل ۱۸۶۶، کتابش را به پایان می‌رساند. در آن دوران، افسانه‌هایی که هوگو از بومیان این جزایر می‌شنود منبع الهامی برای آفرینش این شاهکار ادبی می‌شود. این اثر حماسه دریاست و نبرد انسان با طبیعت سرکش، حماسه دلدادگی است و از خودگذشتگی، هوگو، خود، درباره اثرش می‌نویسد: “حتی آن‌که از چنگال دریا‌رهایی‌یابد از چنگال زن می‌گریزد.”

رهایی نمی‌یابد؛ موضوع کتاب این است.” این رمان، چه به لحاظ نگارش آن، چه به لحاظ گزینش چشم‌اندازها و محتوا، حاکی از تبعید خود‌خواسته و خلوت‌گزینی نویسنده آن است که اثرش را به جزیره گرنزه و دریانوردان شریفش پیشکش می‌کند.»

«کارگران دریا»، نوشته ویکتور هوگو، ترجمه محمدرضا پارسایار، نشر هرمس، ۵۸۸ صفحه، ۷۹۰ هزار تومان

علی باقریان

که چون بنده^{۱۱} بر پیشی فرزند تو

بیاشم پذیرندهٔ پند تو

فرانک بدو داد فرزند را

بگفتش پدو گفتنی پند را

سه سالش پدر وار از آن گاؤ شیر

همی داد هشیار^{۱۲} زینهارگیر^{۱۳}

نشدسیر ضحاک از آن جست‌وجوی

شد از گاؤ گیتی پر از گفت‌وگوی

۱- بنده: خدمتکار.

۲- هشیار: تیماردار بُر‌مایه و سرپرست فریدون، که مرادی آگاه بود.

۳- زینهارگیر: امانت‌پذیر، سرپرست.

۴- فرغزار: سبزه‌زار، چراگاه.

۵- زینهاردار: امانت‌دار، وفادار.



حمزه کفاش، نویسنده «بلاغت تاریخ‌نگاری در ایران عصر صفوی»، اثر شایسته تقدیر در پنجمین دوره جایزه ادبی «محمد قهرمان»:

هیچ تاریخی خالی از موضع‌گیری نیست

کرده است. از همین جهت، بیشتر متن‌های تاریخی‌ای که ما داریم بیشتر به عنوان متن‌های ادبی بررسی می‌شوند. من در این کتاب نشان داده‌ام که چطور تاریخ می‌تواند نسبتی با ادبیات پیدا کند؛ برای نمونه، بررسی‌های سبک‌شناختی در این پژوهش ادبیت متن را نشان می‌دهد. درمجموع، تاریخ و ادبیات مرزهای خیلی نزدیکی به هم دارند و درهم آمیخته‌اند. وجه متمیز آن نوع روایت است؛ گاهی یک متن به‌کلی روایتی تاریخی دارد (یعنی سالنامه‌ای است)، گاهی تاریخ‌نگار چنان روایت می‌کند که مرزهای تاریخ و ادبیات با یکدیگر تلاقی می‌کنند.

● آیا تاریخ محض، به معنای متنی که در آن بلاغت سوءاستفاده نکرده باشند، سابقه دارد؟ اگر نه، چرا؟

هیچ تاریخی خالی از موضع نیست و، بسته به آگاهی تاریخ‌نگار به شیوه‌های نگارش تاریخ، میزان به‌کارگیری بلاغت (رتوریک) متفاوت است. شاید بتوان تاریخ‌هایی که شیوه سالنامه‌ای را برگزیده‌اند – به این معنا که در ذیل هر سال فقط یک یا دو رخداد را نام برده‌اند – در شمار بی‌موضع‌ترین تاریخ‌ها دانست.

● درنهایت، خواندن کتاب «بلاغت تاریخ‌نگاری در ایران عصر صفوی» چه کمکی به پژوهشگران حوزه تاریخ و ادبیات می‌کند؟

این کتاب پژوهشگران حوزه تاریخ را با شیوه‌های تاریخ‌نگاری و کاربست‌های مباحث بلاغی و رتوریکی آشنا می‌کند.



دیوان‌رسانل، به‌ویژه فن دبیری، دارد. تاریخ‌نگاران، در طول آموزش‌های خود، از کتاب‌های عالمان علم بلاغت ایرانی–اسلامی – که ریشه در یونان باستان نیز دارد– بهره‌می‌برده‌اند. در نظام آموزشی آن دوران، کتاب‌های بلاغی زیر سایه‌کلام‌وحی به دانشجویان و طالبان آموزش داده می‌شد. در این مدارس، برای تعلیم دانشجویان از ترجمه‌های عربی–فن خطابه و «فن شعر» ارسطو، از یک سو، و از کتاب‌های دبیری و انشا، و مجموعه‌ها و گلچین‌های ادبی–از سویی دیگر، استفاده می‌شده است.

آنچه در نگاه نخست قابل توجه می‌نماید نسبت میان رتوریک (بلاغت) و سیاست در سنت بلاغت ایرانی–اسلامی است. نگاه رتوریک به تاریخ در میان تاریخ‌نگاران ایرانی (مخصوصاً، در دوره مورد مطالعه ما، یعنی عصر صفوی) هم دیده می‌شود. هرچند که در تاریخ ادب فارسی درسهامه‌ای برای نگارش تاریخ تاکنون یافت نشده، اما تاریخ‌نگاران صفوی به اینکه تاریخ‌نگاری کنشی بلاغی است اذعان کرده‌اند. پرورش تاریخ‌نگار در میان ایرانیان ریشه در سنت‌های

● شیوه تاریخ‌نگاری قدما (باوجود این موضوع رتوریکی) چه تأثیری بر کار پژوهشگران امروز می‌گذارد؟

شیوه‌های مختلفی در روایت تاریخ وجود دارد که مختص به تاریخ‌نگاری قدما نیست و امروزه هم به‌کار می‌رود؛ بعضی شیوه‌های سالنامه‌ای را انتخاب می‌کنند، به این معنا که فقط ذیل یک تاریخ خاصی اتفاق را می‌نویسند، مثلاً، در سال ۹۲۰ جنگ چالدران اتفاق افتاد. به این‌ها می‌گویند تاریخ‌های وقایع‌نویسی یا سالنامه‌ای. اما برخی از تاریخ‌ها واقعه جنگ

بخشی از کتاب



درباره کتاب «فن خطابه» و اهمیت اصول خطابه در تاریخ‌نگاری

چگونه به دیگری بقبولانیم که راست می‌گوییم؟

۲– اعتباربخشی به روایت: مفهوم اتوس (اعتبار) برای تاریخ‌نگاران بسیار مهم است. یک تاریخ‌نگار باید روایت خود را معتبر، مستند و بی‌طرفانه نشان دهد تا مورد اعتماد خواننده قرار گیرد.

۳– انتخاب و ارائه شواهد (لوگوس): تاریخ‌نگار باید شواهد و مدارک خود را به‌گونه‌ای منطقی و قانع‌کننده ارائه دهد. اصولی که ارسطو درباره انواع استدلال و نحوه استفاده از آن‌ها مطرح می‌کند می‌توانند در این زمینه به تاریخ‌نگاران یاری برسانند.

۴– تأثیر بر مخاطب: تاریخ‌نگاری تنها گردآوری حقایق نیست، بلکه شامل تفسیر و ارائه آن حقایق به شکلی است که برای خواننده معنادار باشد. در اینجا، فهم عواطف و انگیزه‌های انسانی (پاتوس)، که ارسطو در «فن خطابه» به آن می‌پردازد، می‌تواند به تاریخ‌نگار کمک کند تا تأثیرگذاری روایت خود را افزایش دهد.

* از کتاب ارسطو دو ترجمه فارسی موجود است. یکی از پرخیده ملکی، تحت عنوان «ریطوریکا» (نشر اقبال)، و دیگری از اسماعیل سعادت، تحت عنوان «خطابه» (نشر هرمس).

خود را قابل اعتماد، دانا و خیرخواه نشان دهد. ب– پاتوس (Pathos): برانگیختن احساسات شنونده. او به بررسی عمیق احساسات انسانی مانند خشم، ترس، شفقت و شادی می‌پردازد و راهکارهایی برای برانگیختن یا فرونشاندن این احساسات ارائه می‌دهد. ب– لوگوس (Logos): منطق و استدلال. ارسطو به انواع استدلال‌ها، از جمله قیاس و استقرا، و نحوه استفاده مؤثر از آن‌ها در سخنرانی می‌پردازد.

۲– سه گونه خطابه: ارسطو سخنرانی‌ها را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کند: الف– مشاورات (Deliberative)، هدف این نوع سخنرانی توصیه یا انداز درباره اقدامات آینده است، مثلاً در سخنرانی در مجامع عمومی برای تصمیم‌گیری درمورد سیاست‌ها. ب– مشاجرات (Judicial)، این نوع سخنرانی در دادگاه‌ها و با هدف اثبات گناه‌کاری یا بی‌گناهی درمورد وقایع گذشته انجام می‌گیرد. پ– منافرات (Epideictic)، هدف این سخنرانی ستایش

کتاب «فن خطابه» (Rhetoric)، نوشته ارسطو، اثری بنیادین و بسیار تأثیرگذار در دنیای سخنوری است. درباره ماهیت این کتاب بحث‌های زیادی هست، برخی آن را یک راهنمای عملی برای فنون اقناع و ترغیب می‌دانند و برخی دیگر یک تحقیق فلسفی عمیق درباب گفتمان انسانی و ارتباطات می‌بینندش. این اثر، درواقع، برای حمایت از کسانی نگاشته شده است که قصد دارند در دادگاه‌ها، مجامع عمومی یا رویدادهای آیینی سخنرانی کنند و برای این منظور، به فنون ساختاردهی و ارائه مؤثر سخنرانی نیاز دارند. هدف نهایی، «فن خطابه» تنها تغییر ذهنیت مخاطبان نیست، بلکه اکتشاف گسترده‌تری از نحوه عملکرد ارتباطات انسانی و ابزارهای آن است.

با هوش مصنوعی

● ساختار و محتوا «فن خطابه»

کتاب «فن خطابه» از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

۱– سه ابزار اقناع: ارسطو سه واسطه اصلی برای متقاعدکردن مخاطب معرفی می‌کند؛ الف– اتوس (Ethos)، شخصیت و اعتبار سخنران. ارسطو تأکید می‌کند که سخنران باید